

حق دسترسی به اطلاعات و کپی‌رایت در فضای مجازی

محمد حبیبی مجنده^۱

چکیده

کپی‌رایت یا حقوق مؤلف و حق دسترسی به اطلاعات به گفتمان‌های رایج در فضای مجازی تبدیل شده است. تعارضی اولیه یا واقعی میان این دو وجود دارد، چراکه کپی‌رایت با اعطای حقوق انحصاری به دارندگان آن دسترسی به اطلاعات مندرج در آثار ادبی و هنری را کنترل می‌کند، در حالی که حق دسترسی به اطلاعات به عنوان جلوه‌ای از حق بنیادی بشری آزادی بیان مستلزم دسترسی به اطلاعات مشمول کپی‌رایت است. این تعارض که زمانی به سطح داخلی محدود بود، هم‌اینک با پیشرفت و گسترش فناوری‌های ارتباطات و دیجیتال‌شدن اطلاعات برخوردار از کپی‌رایت توجه بین‌المللی را به خود معطوف داشته است. سازمان جهانی مالکیت فکری اولین نهاد بین‌المللی بود که متوجه چنین تنشی شد، ولی بر این باور بود که راهکار استثنایها و محدودیت‌ها در کپی‌رایت قادر است این تنش را برطرف کند، اما این راه حل با چالش‌هایی برخاسته از عوامل گوناگون رو به رو است. نویسنده مقاله کنونی بر این دیدگاه است که ساز و کار استثنایها و محدودیت‌ها برای کارآمدی در حل تعارض کپی‌رایت و حق دسترسی به اطلاعات نیازمند تقویت از رهگذر رویکرد حقوق بشری به استثنایها و محدودیت‌ها، از یکسو و تأکید بر تعهدات دولت‌ها به ویژه تعهد به همکاری بین‌المللی در زمینه احترام، حمایت و برآورده‌ساختن حق بشری دسترسی به اطلاعات است.

واژگان کلیدی

آزادی بیان، دسترسی به اطلاعات، کپی‌رایت، مالکیت فکری

۱. دانشیار، دانشکده حقوق، دانشگاه مفید، قم، ایران. Email: mhabibiim@gmail.com

مقدمه

حق دسترسی به اطلاعات و اندیشه‌ها یکی از حق‌های بنیادی بشری است که ریشه در حق گسترده‌تر آزادی بیان دارد. آزادی بیان در همه اسناد بین‌المللی عام حقوق بشر، حتی مرکب از یک حق هسته‌ای و دو حق پیرامونی است. حق هسته‌ای در آزادی بیان همان حق بیان، انتقال و انتشار اندیشه‌ها و اطلاعات است و حق‌های پیرامونی آن را حق جستجو و حق دریافت اطلاعات و اندیشه‌ها تشکیل می‌دهند. این حق‌ها پیوند آشکاری با هم دارند: انتشار اطلاعات و اندیشه‌ها (حق هسته‌ای) زمانی معنایی واقعی می‌یابد که افراد در جستجوی اطلاعات و اندیشه‌ها آزاد باشند. یافتن و دریافت اطلاعات و اندیشه‌ها برای شکل‌دادن به نظر و اندیشه و بیان آن ضروری است. فردی که مایل است در موضوعی اظهار نظر کند، باید بتواند اطلاعات و اندیشه‌هایی را که در اختیار دیگران است و مایل به انتقال آن هستند دریافت کند تا بتواند به شکلی آگاهانه دیدگاه و نظر خود را بیان کند. از سوی دیگر، بیان اندیشه و انتقال اطلاعات رابطه‌ای دوسویه است که یکسوی آن انتقال دهنده و سوی دیگر آن دریافت‌کننده است. وجود چنین رابطه‌ای به پیدایش و گسترش مفاهیمی چون آزادی اطلاعات، حق دسترسی به اطلاعات یا حق بر اطلاعات کمک کرده است.

از سوی دیگر، حقوق پدیدآورندگان آثار ادبی و هنری (حقوق مؤلفان) یا حقوق مالکیت ادبی و هنری یا کپی‌رایت^۱ از شاخه‌های اصلی حقوق مالکیت فکری است. کپی‌رایت مجموعه‌ای از حق‌های انحصاری است که به پدیدآورنده آثار ادبی و هنری تعلق می‌گیرد. این حق‌ها در دو دسته حق‌های اقتصادی و حق‌های معنوی جای می‌گیرند. حق‌های اقتصادی امکان بهره‌برداری مادی از ثمره تلاش و کوشش پدیدآورنده اثر را در انحصار وی قرار می‌دهد و تکثیر، انتشار و انتقال اثر

به عموم مردم را بدون اجازه پدیدآورنده منع می‌کند. حق‌های معنوی از انتساب اثر به پدیدآورنده، کلیت و یکپارچگی اثر حمایت می‌کنند. این حق‌ها در مجموع سه هدف عمده را دنبال می‌کنند: ۱- دادن پاداش و اجرت به پدیدآورنده تا بتواند از میوه و ثمره فعالیت فکری خود بهره‌مند شود و آثاری را که خلق کرده روانه بازار کند؛ ۲- تشویق آفرینندگان به خلق آثار و اطمینان‌بخشی به آنان که ابزارهای قانونی برای حمایت از قابلیت سودآوری اثر به کار گرفته خواهد شد؛ ۳- پیشبرد سیاست و خط مشی فرهنگی جامعه به معنای پشتیبانی و قانونمندی ساختن گسترش و جا به جایی اندیشه‌ها و فرهنگ و اطمینان از این‌که حق‌های انحصاری آفرینندگان موجب انسداد مجرای گردش آثار فرهنگی، مانع گسترش دانش و سواد، پیشرفت علمی، و برخوردار شدن عموم مردم از خلاقیت فکری دیگران نخواهد شد. (دوسولیر و همکاران، ۲۰۰۰ م.) از این رو در نظام‌های حقوقی و نیز اسناد بین‌المللی، قواعد و مقررات مربوط به حمایت از حقوق پدیدآورندگان محدودیت‌ها و استثناهایی دارد که هدف آن‌ها برقراری توازن میان منافع دارندگان کپی‌رایت از یکسو و منافع عموم مردم در دسترسی و استفاده از این آثار است. این محدودیت‌ها در شکل‌های گوناگون خود ضمن تأکید بر حمایت از بیان به جای اندیشه، مدت زمان این حق‌ها را محدود می‌کنند و با تعیین شرایط حمایت همچون اصیل بودن و تشبیت، آثاری را از گردونه حمایت بیرون می‌برند. استثناهای از حق‌ها نیز استفاده‌های خاص از اثر (مثلاً استفاده شخصی، آموزشی، پژوهشی) یا استفاده منصفانه را از شمول حمایت خارج می‌کند. کپی‌رایت به این طریق سال‌ها با آزادی بیان و از جمله حق دسترسی به اطلاعات همزیستی مسالمت‌آمیز داشته است. هر گاه سخنی از تعارض کپی‌رایت و آزادی بیان به میان می‌آید، این تعارض با همین محدودیت‌ها و استثناهای در کپی‌رایت و نیز حدود و ثغور آزادی

بیان، از جمله ضرورت حمایت از حقوق دیگران حل می‌شد. (حبیبی مجنده، ۱۳۹۴ ش.)

اما پیدایش و گسترش محیط و فضای مجازی^۲ در قالب دنیای موهوم اتصال شبکه‌های رایانه‌ای و ارتباط برخط از طریق اینترنت و شبکه‌های اجتماعی توازن دیرین و همزیستی کپی‌رایت و منافع عمومی را دستخوش آشفتگی کرد. فضای مجازی به هر فردی که به اینترنت دسترسی داشته باشد، امکان می‌دهد وارد تعامل، تبادل و به اشتراک‌نهادن اندیشه‌ها و اطلاعات شود و آزادانه پوشه‌های رسانه‌ای اعم از کتاب، موسیقی، نقاشی، فیلم، بازی‌ها، نرم‌افزارهای کاربردی و مانند آن را که به شکل دیجیتال درآمده‌اند به آسانی و با کیفیت بالا و با سرعت زیاد به هزاران نفر در گوشه و کنار دنیا ارسال کند یا آن‌ها را از دیگران دریافت نماید.

به علاوه، فناوری دیجیتال این امکان را به کاربران می‌دهد که آثار ادبی و هنری مشمول کپی‌رایت را دستورزی، جرح و تعدیل و تحریف کنند. به این ترتیب، فضای مجازی هر دو دسته حق‌های اقتصادی و معنوی پدیدآورندگان آثار یا دارندگان کپی‌رایت را تهدید می‌نمود. چاره‌اندیشی برای حمایت از کپی‌رایت در فضای مجازی در عرصه ملی^۳، منطقه‌ای^۴ و بین‌المللی^۵ به جریان افتاد. نتیجه این تلاش‌ها عمدتاً وضع قواعد و مقررات تازه برای حمایت از کپی‌رایت، ایجاد رژیم حقوقی خاص برای حمایت از داده پایگاه‌ها^۶، ایجاد نظام مدیریت دیجیتال حق‌ها^۷ و همچنین بهره‌گیری از تدابیر حمایت فناورانه از کپی‌رایت^۸ برای کنترل دسترسی به آثار مشمول کپی‌رایت بوده است. این تحولات از نو مسأله رابطه کپی‌رایت و حق دسترسی به اطلاعات را در هر دو عرصه داخلی و بین‌المللی پیش کشیده است.

مدافعان حقوق بشر بر این باورند که کپی‌رایت در فضای مجازی حتی از دنیای واقعی پیشی گرفته است و حمایت‌هایی که از آثار مشمول کپی‌رایت به عمل می‌آید محدودیت‌ها و استثناهای کپی‌رایت را به حاشیه رانده است. به عنوان مثال، در دنیای واقعی امکان تورق یک کتاب در کتابفروشی وجود دارد، ولی در دنیای مجازی به دلیل استفاده از فناوری‌ها چنین امکانی فراهم نیست. مثال دیگر به مدت زمان حمایت برمی‌گردد. در داده پایگاه‌ها که کتاب‌ها و مجلات عرضه می‌شوند، چه بسا کتاب‌ها و مجلاتی قرار دارند که مدت زمان حمایت کپی‌رایت از آن‌ها سپری شده است. در مقابل، هواداران حمایت از کپی‌رایت به ویژگی‌های خاص فضای مجازی و لزوم حمایت‌های خاص از پدیدآورندگان آثار و دارندگان کپی‌رایت را مطرح می‌کنند.

آنچه این مناقشه را در عرصه بین‌المللی تشدید کرده اختلاف میان کشورهای توسعه‌یافته و کشورهای در حال توسعه به لحاظ دسترسی شهروندان آنان به آثار مشمول کپی‌رایت است. برای شهروندان کشورهای دسته اول این امکان فراهم است که از کتاب‌ها و مطالب علمی و آثار ادبی و هنری از طریق کتابخانه‌ها، مؤسسات علمی و پژوهشی استفاده کنند. شهروندان کشورهای در حال توسعه یا توسعه‌نیافته از چنین امکانی برخوردار نیستند. دسترسی به آثار ادبی و هنری مستلزم پرداخت هزینه است که از عهده این افراد خارج است.

با چنین دورنمایی، نوشته حاضر تلاش می‌کند پاسخی به این پرسش اصلی بیابد که حق دسترسی به اطلاعات و اندیشه‌ها چه رابطه و نسبتی با کپی‌رایت در فضای مجازی برقرار می‌کند. تعارض واقعی یا ظاهری میان این دو دستاورد بشری چگونه قابل ترسیم است؟ و آیا راه حل‌هایی برای کاستن یا رفع این تعارض در نظام بین‌المللی کپی‌رایت و نیز حقوق بشر می‌توان یافت؟ بدین منظور لازم است

نگاهی به جایگاه حق دسترسی به اطلاعات بیافکنیم و محتوای این حق را بررسی کنیم و گوشه‌ای از تعهدات دولت‌ها در تحقق این حق را از نظر بگذرانیم، سپس دریچه‌های آشتی میان کپی‌رایت و حق دسترسی به اطلاعات و اندیشه‌ها در فضای مجازی را مورد بحث قرار دهیم.

الف - جایگاه حق دسترسی به اطلاعات به مثابه حقی بشری

حق دسترسی به اطلاعات و اندیشه‌ها حقی اخلاقی و نیز قانونی یا حقوقی است. منظور از حق اخلاقی حقی است که دارای پشتوانه توجیهی فلسفی و نظری است و منظور از حق قانونی حقی است که در یک نظام حقوقی به رسمیت شناخته شده است. توجیهات نظری گوناگونی می‌توان برای حق دسترسی به اطلاعات و اندیشه‌ها ارائه داد. پرداختن به این مبانی خارج از دامنه محدود این نوشته است. در اینجا به بیانی فشرده و کلی می‌توان گفت دسترسی به اطلاعات و اندیشه‌ها برای توسعه شخصیت انسانی لازم و ضروری است. از سوی دیگر، بهره‌مندی از زندگی توأم با کرامت و برخورداری از حقی‌هایی چون آموزش، بهداشت، محیط زیست سالم، توسعه، حق کار، مشارکت سیاسی در جامعه و تعامل با دیگر انسان‌ها و جوامع به حق دسترسی به اطلاعات و اندیشه‌ها وابسته است.

تحقق الزامات اساسی حکمرانی دموکراتیک همچون شفافیت، پاسخگویی و تصمیم‌سازی مشارکتی نیز پیوند وثیقی با این حق دارد.^۹ قانونی‌بودن حق دسترسی به اطلاعات و اندیشه‌ها نیازی به توضیح بیشتر ندارد. امروزه علاوه بر قوانین داخلی کشورها در اسناد حقوقی منطقه‌ای و بین‌المللی حق دسترسی به اطلاعات شناسایی شده است. ماده ۱۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر به طور ضمنی حق دسترسی به اطلاعات را به رسمیت شناخته است.^{۱۰}

ماده ۱۹ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی نیز با همین عبارات، به طور ضمنی حق دسترسی به اطلاعات را در خود گنجانده است.^{۱۱} عبارت «این حق شامل آزادی جستجو، دریافت و انتقال اطلاعات و اندیشه‌ها» در هر دو سند بین‌المللی یافت می‌شود. در اسناد منطقه‌ای حقوق بشر هم باز به صورت ضمنی حق دسترسی به اطلاعات گنجانده شده است. ماده ۱۳ کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر^{۱۲}، ماده ۱۰ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر^{۱۳} و ماده ۹ منشور آفریقایی حقوق بشر و ملت‌ها^{۱۴} با عباراتی تقریباً مشابه اعلامیه جهانی حق آزادی بیان را مشتمل بر حق دریافت اطلاعات دانسته‌اند. در ماده ۲۲ اعلامیه قاهره در مورد حقوق بشر در اسلام هم بر اهمیت و ضرورت اطلاعات تأکید شده است.^{۱۵} کمیته حقوق بشر در تفسیر عمومی شماره ۳۴ به تشریح ماده ۱۹ میثاق پرداخته است.^{۱۶} در بند ۱۸ این تفسیر عمومی تصریح شده است که بند ۲ ماده ۱۹ میثاق دربرگیرنده حق دسترسی به اطلاعات و اندیشه‌ها است. در بند ۱۶ از دولت‌ها خواسته شده است به تحولات در فناوری اطلاعات و ارتباطات، مانند اینترنت و سامانه‌های توزیع الکترونیکی اطلاعات از طریق تلفن همراه و شبکه‌های اجتماعی و تأثیر آن‌ها بر تغییر رفتارهای ارتباطی در جهان توجه کنند. شبکه‌ای جهانی برای تبادل اطلاعات و اندیشه‌ها وجود دارد که لزوماً وابسته و متکی به رسانه‌های سنتی واسطه نیست.

سازمان ملل متحد از همان آغاز پیدایش خود به این حق توجه داشته و تا امروز بررسی و تبیین آن را در دستور کار خود قرار داده است. آزادی اطلاعات یا حق دسترسی به اطلاعات در یکی از قطعنامه‌های اولین اجلاس مجمع عمومی سازمان ملل در سال ۱۹۴۶ به عنوان «حقی بنیادی و سنگ بنای همه آزادی‌هایی که ملل متحد خود را وقف آن نموده» اعلام شده بود. (مندل، ۲۰۱۶ م.) تعیین

گزارشگر ویژه پیشبرد و حمایت از حق آزادی عقیده و بیان در سال ۱۹۹۳ از سوی کمیسیون حقوق بشر نقطه عطفی در این مسیر بوده است. گزارشگر ویژه سازمان ملل در مورد آزادی عقیده و بیان در گزارش ۱۹۹۵ خود به کمیسیون حقوق بشر این نکته را بیشتر تبیین کرده است: «چنانچه مردم دسترسی به اطلاعات نداشته باشند، آزادی از هر گونه کارآیی تهی می‌شود. دسترسی به اطلاعات برای شیوه زندگی دموکراتیک جنبه اساسی دارد. بنابراین گرایش به دریغ‌داشتن اطلاعات از عموم مردم باید به شدت مهار شود.»^{۱۷}

اما آنچه همچنان نیازمند تبیین و تشریح است محتوای حق دسترسی به اطلاعات و اندیشه‌ها و تعهدات ناشی از این حق می‌باشد. متأسفانه کمیته حقوق بشر این نکته را مغفول نهاده و کمکی به توسعه این حق نکرده است. افزون بر این، در نوشته‌های صاحب‌نظران نیز چندان به این مطلب پرداخته نشده است.^{۱۸} باید گفت دو رویکرد به حق دسترسی به اطلاعات و اندیشه‌ها می‌توان داشت: رویکرد مضیق و رویکرد موسع. تاکنون رویکرد مضیق غلبه داشته و حق دسترسی به اطلاعات عمدتاً به حق دسترسی به اطلاعات نزد مقامات عمومی محدود شده است.

۱- رویکرد مضیق به حق دسترسی به اطلاعات و اندیشه‌ها

با آنکه در اسناد عام حقوق بشر حق دسترسی به اطلاعات و اندیشه‌ها با همین عبارت به چشم نمی‌خورد، اما عبارت «جستجو، دریافت و انتقال اطلاعات و اندیشه‌ها» مستلزم حق دسترسی به اطلاعات و اندیشه‌ها است. جستجو و دریافت اطلاعات و اندیشه‌ها بدون دسترسی امکان‌پذیر نیست و در واقع می‌توان گفت جستجو و دریافت همان دسترسی است. به این ترتیب این حق بنیادی به هر انسانی استحقاق می‌دهد به اطلاعات و اندیشه‌ها در هر قالب و شکل و فارغ از

مرزها دسترسی داشته باشد. نکته بسیار مهم در این اسناد این است که حق دسترسی به اطلاعات و اندیشه‌ها به صورت مطلق ذکر شده است بی‌آنکه به اطلاعات و اندیشه‌های خاصی مقید شده باشد. اطلاعات و اندیشه‌ها یا در اختیار مقامات و نهادهای عمومی دولتی یا تحت کنترل اشخاص خصوصی است. دولت‌ها انواعی از اطلاعات تولید، گردآوری یا نگاهداری می‌کنند. اشخاص خصوصی نیز اعم از محققان، اندیشمندان، روزنامه‌نگاران، و به طور کلی آفرینندگان آثار ادبی و هنری در کار تولید اطلاعات و اندیشه‌ها هستند و آن‌ها را در اختیار و کنترل دارند. در فضای مجازی نقش بازیگران خصوصی هم بسیار برجسته‌تر از بازیگران دولتی است.

رویکرد مضیق به حق دسترسی به اطلاعات این حق را محدود به دسترسی به اطلاعاتی می‌داند که در اختیار مقامات عمومی است. نهادها و ارکان عمومی در یک جامعه یا نهادهایی که وظایف عمومی انجام می‌دهند به شیوه‌های گوناگون به جمع‌آوری، تولید و نگاهداری اطلاعات می‌پردازند. این اطلاعات ممکن است مربوط به اشخاص و سوابق آنان اعم از سوابق پزشکی، تحصیلی و آموزشی، اجتماعی و کیفری باشد یا به فرایندهای تصمیم‌سازی در زمینه امور عمومی و مطالعات راجع به اجرای طرح‌های عمرانی و آثار این طرح‌ها مثلاً بر محیط زیست یا سطح اشتغال و مانند آن مربوط باشد. به علاوه، تصمیم‌هایی که ارکان عمومی اتخاذ می‌کنند و به شکل دستورالعمل، آیین‌نامه یا بخشنامه به نهادهای ذی‌ربط ابلاغ می‌شود نیز حاوی اطلاعاتی است که بر زندگی عمومی مردم تأثیر می‌گذارد. گزارش سال ۲۰۰۰ گزارشگر ویژه کمیسیون حقوق بشر^{۱۹} در مورد آزادی عقیده و بیان را می‌توان نمونه‌ای از رویکرد مضیق به حق دسترسی به اطلاعات و اندیشه‌ها محسوب داشت. در این گزارش از کشورها خواسته شده بود قوانین خود

در زمینه حق بر اطلاعات را با عنایت به اصولی کلی مورد بازبینی قرار دهند یا هنگام وضع قوانین جدید به این اصول توجه کنند. برخی از این اصول از این قرار بود: ۱- تعهد ارکان عمومی به افشای اطلاعات و حق هر عضو جامعه به دریافت اطلاعات؛ ۲- لزوم انتشار و توزیع گسترده اطلاعات مربوط به کارکرد رکن عمومی و محتوای تصمیم‌ها و خط مشی‌هایی که عموم مردم را متأثر می‌سازد؛ ۳- ذکر دقیق و روشن محدودیت‌ها بر حق اطلاعات در قوانین ذی‌ربط؛ ۴- بالابودن هزینه دسترسی به اطلاعات؛ ۵- علنی‌بودن جلسات ارکان دولتی؛ ۶- حمایت از افراد در برابر هر گونه مجازات قانونی، اداری یا شغلی به دلیل انتشار اطلاعات در خصوص تخلفات مقامات عمومی.

۲- رویکرد موسع به حق دسترسی به اطلاعات و اندیشه‌ها

حق دسترسی به اطلاعات و اندیشه‌ها بسیار گسترده‌تر از آن است که در حصار تنگ دسترسی به اطلاعات موجود نزد ارکان و مراجع عمومی محدود شود. گستردگی این حق از دو زاویه مهم قابل بررسی است. نخست، گستردگی به لحاظ دارندگان اطلاعات است که محدود به بخش عمومی نیست و بخش خصوصی را هم دربرمی‌گیرد؛ دوم، گستردگی به لحاظ جغرافیایی است. حق دسترسی به اطلاعات به هر انسانی فارغ از مرزهای ملی تعلق می‌گیرد. از آنجا که امروزه اطلاعات و اندیشه‌ها در سطح بین‌المللی عرضه می‌شوند هر فردی حق دارد به اطلاعات و اندیشه‌هایی که در فضای مجازی نهاده می‌شوند، دسترسی داشته باشد. سطح بین‌المللی حق دسترسی به اطلاعات و اندیشه‌ها پیامدهای خاصی به لحاظ تعهدات ناشی از این حق خواهد داشت.

جامعه بین‌المللی به تدریج به سمت رویکرد موسع به حق دسترسی به اطلاعات حرکت می‌کند. پیش‌تر اشاره کردیم که مجمع عمومی در اولین اجلاس

خود به آزادی اطلاعات توجه کرده بود، اما اختلافاتی که در کمیسیون حقوق بشر در مورد مفهوم و اصول آزادی اطلاعات بروز کرد و تعارض‌های میان شرق و غرب در دوران جنگ سرد به مسکوت گذاشتن این موضوع منجر گردید تا آن که کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل در سال ۱۹۹۳ گزارشگر ویژه‌ای را برای بررسی ابعاد مختلف این حق منصوب کرد. شورای حقوق بشر که در سال ۲۰۰۶ جایگزین کمیسیون حقوق بشر گردید، مأموریت گزارشگر ویژه را تمدید نمود و تاکنون این مأموریت ادامه دارد. در خلال این مدت طولانی، گزارش‌های فراوانی از سوی گزارشگران ارائه شده است.^{۲۰}

گزارش ۴ سپتامبر ۲۰۱۳ گزارشگر ویژه آزادی عقیده و بیان به طور خاص به یکی از ابعاد حق دسترسی به اطلاعات و رابطه آن با حق دانستن حقیقت پرداخته است.^{۲۱} آخرین گزارش ارائه‌شده به شورای حقوق بشر در ۱۱ مه ۲۰۱۶ به بررسی آزادی بیان، دولت‌ها و بخش خصوصی در عصر دیجیتال اختصاص دارد.^{۲۲} گزارش اخیر را می‌توان گامی به جلو در توسعه حق آزادی بیان و حق دسترسی به اطلاعات در فضای مجازی دانست. جا دارد در اینجا به محورهایی از این گزارش که به بحث کنونی ارتباط دارد اشاره کنیم. از محورهای مهم این گزارش تأکید بر نقش بخش خصوصی در عصر دیجیتال و اثرگذاری آن بر گسترش بهره‌مندی از آزادی بیان و دسترسی به اطلاعات است. در هیچ دوره‌ای از تاریخ افراد انسانی به این میزان قادر به بیان دیدگاه‌ها، انتقال و به اشتراک‌نهادن اطلاعات و اندیشه‌ها نبوده‌اند. در واقع، گسترش فضای مجازی به دموکراتیک‌شدن اطلاعات و دسترسی عموم مردم به اخبار، داده‌ها، نظرات و دیدگاه‌ها انجامیده است. روشن است که بخش خصوصی مالک و دارنده شبکه‌های اجتماعی، داده‌پایگاه‌ها، زیرساخت‌های فناوری سیار دسترسی به اینترنت است.

همچنین بخش خصوصی است که در گسترش این فضا سرمایه‌گذاری می‌کند، هزینه نگاهداری آن را بر دوش دارد و فرآورده‌های گوناگون مربوط به این فضا را تولید و عرضه می‌کند. باز بخش خصوصی است که کنترل این فضا و طراحی، تولید و نگاهداری ابزارها یا خدمات ذخیره اطلاعات شخصی افراد، اعم از اطلاعات مالی، سلامتی و بهداشت، ایمیل‌ها، پیام‌های کوتاه، تاریخچه جستجو در اینترنت، عکس‌ها، فیلم‌ها و کلیپ‌های مبادله‌شده را در اختیار دارد. در این گزارش توصیه‌هایی به دولت‌ها در مورد نحوه رفتار با بخش خصوصی در زمینه آزادی بیان شده است که حائز اهمیت است. گفته شده است که دولت‌ها نباید بخش خصوصی را ملزم دارند یا تحت فشار قرار دهند، تدابیری اتخاذ نمایند که به طور غیر ضروری یا غیر متناسب در آزادی بیان دخالت کنند.

همچنین در گزارش آمده است که در میان مهم‌ترین اقداماتی که باید بازیگران خصوصی انجام دهند توسعه و اجرای آیین‌های شفاف ارزیابی آثار حقوق بشری فعالیت‌های آنان است. این گزارش پیشرفت خوبی در زمینه نمایاندن نقش بخش خصوصی در دنیای مجازی و شناسایی ابعاد گوناگون این نقش و تأثیر فعالیت بازیگران مختلف بر حق آزادی بیان است. با این حال، هنوز محتوای حق دسترسی به اطلاعات و اندیشه‌ها در فضای مجازی موشکافی نشده است و همچنان پرسش‌ها و ابهام‌ها در زمینه تعهدات دولت‌ها باقی است.

در جمع‌بندی رویکردهای مضیق و موسع به حق دسترسی به اطلاعات باید گفت رویکرد نخست بر دسترسی به اطلاعات از نوع خاص و دارای منشأ خاص، یعنی اطلاعات موجود نزد مقامات عمومی تمرکز دارد، البته حق دسترسی شهروندان به این اطلاعات هم با رعایت شرایط و محدودیت‌هایی است که دولت‌ها در قوانین داخلی خود مشخص می‌کنند. در این رویکرد مضیق دولت‌ها حتی

تعهدی به افشای چنین اطلاعاتی ندارند و رویه نهادهای قضایی منطقه‌ای حقوق بشر هم الزامی بر دوش کشورها نمی‌نهد. از سوی دیگر، تفسیر مضیق از حق دسترسی به اطلاعات تعارضی با کپی‌رایت پیدا نمی‌کند، چراکه اولاً بسیاری از اطلاعاتی که نزد ارکان عمومی است مطابق قوانین بسیاری از کشورها از شمول کپی‌رایت استثنا شده است؛ ثانیاً دسترسی نداشتن افراد به این اطلاعات به دلیل تعلق کپی‌رایت نیست، بلکه ملاحظات خاص دولتی از قبیل، محرمانه‌بودن، امنیتی‌بودن و مانند آن باعث می‌شود این دسترسی دریغ داشته شود، اما رویکرد موسع به حق دسترسی به اطلاعات و اندیشه‌ها این حق را شامل اطلاعات با هر منشأ و فارغ از مرزهای ملی می‌داند.

در این رویکرد سه مؤلفه اساسی محتوای این حق را تشکیل می‌دهد: در اختیار بودن، تکثر^{۲۳} و تنوع منابع^{۲۴} و قابلیت پرداخت هزینه دسترسی.^{۲۵} دسترسی زمانی معنا می‌یابد که اطلاعاتی موجود و دراختیار باشد. اعمال ژرف و عمیق حق دسترسی به عنوان جزئی از آزادی بیان مستلزم تنوع مجاری کسب اطلاعات و تکثر منابع رسانه‌ای است و آخر این که هزینه دسترسی به اطلاعاتی که دیگران مایل به انتشار آن هستند نباید به گونه‌ای باشد که از عهده عموم مردم خارج باشد و حق دسترسی عملاً منتفی شود.

نکته‌ای که باید در بررسی رابطه حق دسترسی به اطلاعات و اندیشه‌ها و کپی‌رایت، چه در دنیای واقعی و چه در فضای مجازی، مورد توجه قرار گیرد و نقش مهمی در چگونگی ترسیم این رابطه دارد این است که حق دسترسی حقی مطلق و بدون قید و محدودیت نیست. دسته‌ای از محدودیت‌ها گرداگرد این حق وجود دارد که همان محدودیت‌های آزادی بیان است. در همه اسناد حقوق بشری که حق آزادی بیان مورد شناسایی قرار گرفته است این محدودیت‌ها به چشم

می‌خورد. یکی از این محدودیت‌ها احترام به حقوق دیگران است. آزادی بیان و حق دسترسی به اطلاعات و اندیشه‌ها مجوزی برای نادیده‌گرفتن حقوق پدید آورندگان آثار ادبی و هنری نمی‌دهد. حق‌هایی که کپی‌رایت اعطا می‌کند می‌تواند محدودیتی بر حق دسترسی ایجاد کند و این محدودیت در صورتی که به موجب قانون مقرر شده باشد و برای حفاظت از حقوق دیگران در جامعه‌ای دموکراتیک ضروری و متناسب باشد در زمره محدودیت‌های مجاز و مشروع خواهد بود.

بنابراین حق دسترسی به اطلاعات و اندیشه‌ها به معنای حق دسترسی مجانی و بدون هزینه نیست، اما این هزینه باید معقول و متناسب باشد و اصل حق را به حاشیه نکشاند. به این ترتیب، رویکرد موسع به حق دسترسی به اطلاعات را می‌توان چنین بیان کرد: «هر کس حق دارد به اطلاعات و اندیشه‌های متجلی در آثار مشمول کپی‌رایت دسترسی داشته باشد. این حق با رعایت محدودیت‌های حق آزادی بیان به ویژه احترام به حقوق دیگران اعمال می‌شود.»

۳- ترسیم تعارض حق دسترسی به اطلاعات و اندیشه‌ها و کپی‌رایت

یکی از مباحثی که در زمینه ارتباط آزادی بیان به طور عام و حق دسترسی به اطلاعات و اندیشه‌ها به طور خاص، از یکسو و حمایت از حقوق پدیدآورندگان آثار ادبی و هنری، از سوی دیگر، مطرح است امکان تعارض میان این دو نهاد حقوقی است. برخی نویسندگان بر این نکته تأکید دارند که افراد مجال کافی دارند تا بدون برگرفتن اندیشه‌ها یا بدون استفاده از بیان دیگران به بیان و ابراز اندیشه‌های خود بپردازند و آزادی بیان را اعمال کنند. (تورمانس، ۲۰۰۸ م.) دیوان عالی ایالات متحده هم در پرونده الدرد علیه اشکرافت به این نتیجه دست یافت که آزادی بیان و کپی‌رایت تعارضی با هم ندارند، بلکه «خود کپی‌رایت موتور آزادی بیان است.»^{۲۶}

اما به نظر می‌رسد امروزه تعارض میان کپی‌رایت و آزادی بیان جای تردید ندارد، حتی دادگاه اروپایی حقوق بشر در سال‌های اخیر به این تعارض اذعان داشته و محدودیت بر آزادی بیان به دلیل کپی‌رایت را مداخله در آزادی بیان دانسته و آنگاه به بررسی مشروع بودن این مداخله بر اساس کنوانسیون اروپایی حقوق بشر پرداخته است. این دادگاه در پرونده اشبی دونالد و دیگران علیه فرانسه حکم دادگاه‌های فرانسه مبنی بر نقض کپی‌رایت از سوی خواهان‌ها را هر چند دخالت در آزادی بیان مقرر در ماده ۱۰ کنوانسیون برشمرد، ولی در نهایت رأی داد که این مداخله در چارچوب محدودیت‌های مجاز در کنوانسیون قابل توجیه بوده است.

در این پرونده چند عکاس مُد عکس‌هایی از سالن‌های مُد گرفته و آن‌ها را بدون دریافت اجازه از این سالن‌ها در پایگاه اینترنتی خود قرار داده و در معرض فروش نهاده بودند. دادگاه اروپایی ضمن قابل اعمال دانستن آزادی بیان در فضای مجازی بر ماهیت تجاری عکس‌ها تأکید می‌ورزد. از این رو قصد خواهان‌ها برای فروش عکس‌ها، که مطابق قانون فرانسه کپی‌رایت آن‌ها به سالن‌های مُد تعلق داشت، تنش میان حق خواهان‌ها بر دراختیارداشتن و انتشار اطلاعات راجع به شوه‌های مُد در قالب عکس‌های دیجیتال، از یک طرف و کپی‌رایت سالن‌های مُد از سوی دیگر را برجسته ساخت. در اینجا مسأله بیان تجاری مطرح بود و دادگاه‌های داخلی از اختیار عمل و حاشیه تفسیر و ارزیابی گسترده‌تری برخوردار بودند، چون بیان تجاری مناقشه‌ای در باب منافع عمومی را مطرح نمی‌کند.^{۲۷} اشاره به این پرونده در اینجا فقط به منظور نشان دادن پذیرش تعارض میان کپی‌رایت و آزادی بیان بود.

اما این پرونده کمک زیادی به ترسیم تعارض میان کپی‌رایت و حق دسترسی به اطلاعات و اندیشه‌ها نمی‌کند. به نظر می‌رسد ترسیم این تعارض بستگی به اثبات دو گزاره دارد. نخست، باید اثبات نمود که کپی‌رایت از موانع دسترسی به اطلاعات و اندیشه‌هاست؛ دوم، حق دسترسی به اطلاعات و اندیشه‌ها متضمن تکالیفی بر دوش دیگران برای تحقق این حق است. گزاره نخست چندان نیازی به استدلال ندارد و کپی‌رایت به دلیل افزایش هزینه دسترسی به آثار ادبی و هنری مانعی برای دسترسی به اطلاعات است. مطالعات تجربی هم مؤید چنین گزاره‌ای است. (استوری، ۲۰۰۳ م.) متفکران، اساتید، دانشجویان و عموم مردم برای شکل‌دهی به نظرات و اندیشه‌های خود و افزودن به اطلاعات خویش نیازمند دسترسی به آثار مشمول کپی‌رایت هستند و کپی‌رایت در بالابردن قیمت و هزینه دسترسی به این آثار مؤثر است.

در کشورهای توسعه‌یافته شاید به دلیل سطح بالای درآمد مردم این دسترسی امکان‌پذیر باشد، ولی در کشورهای درحال توسعه و کمتر توسعه‌یافته حتی نهادها و مراکز علمی و تحقیقاتی از عهده تهیه این آثار بر نمی‌آیند. آنچه در این کشورها به پیچیدگی موضوع کمک می‌کند این است که نظام بین‌المللی حمایت از کپی‌رایت که در قالب موافقت‌نامه ابعاد مرتبط با تجارت حقوق مالکیت فکری سازمان جهانی تجارت تبلور یافته خصلت حداقلی دارد. در بند ۱ ماده ۱ این موافقت‌نامه آمده است که «اعضا می‌توانند، ولی ملزم نیستند، در قوانین خود حمایتی گسترده‌تر از آنچه در این موافقت‌نامه مقرر شده است، اجرا کنند مشروط بر این‌که چنین حمایتی با مقررات این موافقت‌نامه مغایرت نداشته باشد.»^{۲۸}

به بیان دیگر، مقررات جهانی مربوط به حمایت از کپی‌رایت، «کف» حمایت و مرز پایینی آن را ترسیم می‌کند و نه «سقف» حمایت یا بلندای آن را. کشورها

آزادند در قوانین خود یا با توافق‌های دو یا چندجانبه حمایتی قوی‌تر پیش‌بینی کنند و این همان رویه موسوم به «فراتریپس»^{۲۹} است که سطح حمایت (مثل افزایش مدت زمان) را افزایش می‌دهد یا از قلمرو و کارآیی محدودیت‌ها و استثنایها می‌کاهد، مثلاً در موافقت‌نامه تجارت آزاد میان شیلی و ایالات متحده حمایت از اسامی دامنه، ممنوعیت استفاده از فنون شکستن رمز یا دورزدن اقدامات حفاظتی فناورانه و حمایت از سیگنال‌های ماهواره‌ای رمزار حامل برنامه که در موافقت‌نامه تریپس وجود ندارد، مقرر شده است. (رف، ۲۰۰۴ م.)

تبیین گزاره دوم برای ترسیم تعارض کپی‌رایت و حق دسترسی به اطلاعات و اندیشه‌ها مستلزم تحلیل محتوای حق دسترسی است. این تحلیل در دو سوی دارنده حق و دارنده تکلیف صورت می‌گیرد. باید دید حق دسترسی به اطلاعات و اندیشه‌ها چه استحقاقی و توانایی به دارنده حق می‌دهد و چه تعهداتی بر دوش حامل یا حاملان تکلیف در برابر آن می‌نهد. اشاره کردیم که دو تفسیر افراطی و معتدل می‌توان از استحقاق دارنده حق دسترسی ارائه داد. در تفسیر افراطی، هر فردی حق دارد به اطلاعات و اندیشه‌های انتقال یافته در آثار مشمول کپی‌رایت دسترسی بیابد. این دسترسی چون حق هر فردی است نباید منوط به پرداخت هزینه باشد. اما در تفسیر معتدل هر فردی حق دسترسی به آثار مورد حمایت کپی‌رایت را دارد، اما چون این حق جزئی از حق آزادی بیان است، تابع محدودیت‌هایی است که بر حق آزادی بیان وضع شده است که یکی از آنها احترام به حقوق دیگران است.

حقوق مالکیت فکری در کلیت آن حقی بشری است که در ماده ۲۷ اعلامیه جهانی حقوق بشر و بند ۱ ماده ۱۵ میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی شناسایی شده است. از این رو حق دسترسی به اطلاعات و اندیشه‌ها

محدود به کسانی است که حق بشری پدیدآورندگان آثار مورد حمایت کپی‌رایت را محترم شمارند. به این ترتیب موازنه‌ای میان حق دسترسی و کپی‌رایت برقرار می‌شود، اما این موازنه در صورتی کامیاب خواهد بود که هر دو حق تأمین شود. هزینه دسترسی به آثار ادبی و هنری نباید چنان سنگین باشد که این حق از صحنه خارج شود. این هزینه باید معقول و منطقی باشد که اوضاع و احوال گوناگون، از جمله سطح عمومی درآمد در یک جامعه را در نظر گیرد، چون حق دسترسی به اطلاعات و اندیشه‌ها در اعلامیه جهانی و نیز میثاق حقوق مدنی و سیاسی «از طریق هر رسانه و فارغ از مرزها» به رسمیت شناخته شده است، حق دسترسی شامل آثار خارجی هم می‌شود.

اما شکاف عمیقی میان شهروندان کشورهای غنی و فقیر در دسترسی به آثار حامل اطلاعات و اندیشه‌ها وجود دارد که به «نابرابری در اطلاعات» منجر شده است. چگونه می‌توان از سازوکارهای حقوقی برای رفع این نابرابری مدد گرفت؟ اینجاست که باید به تحلیل تعهدات ناشی از حق دسترسی به اطلاعات و اندیشه‌ها پرداخت. نویسنده این سطور در جای دیگر به تفصیل به این بحث پرداخته است. (حبیبی مجنده، ۱۳۹۴ ش.) در اینجا به سه نکته به طور اختصار اشاره می‌کنیم: دارندگان تکلیف؛ تعهدات؛ دامنه جغرافیایی تعهد.

۱-۳- دارندگان تکلیف در قبال حق دسترسی به اطلاعات و اندیشه‌ها:

در نظام بین‌المللی حقوق بشر این پرسش از دیرباز مطرح بوده است که آیا تعهدات ناشی از حقوق بشر فقط مختص دولت‌ها است یا این تعهدات بر دوش اشخاص غیر دولتی هم وجود دارد. به عبارت دیگر آیا حقوق بشر حق‌هایی است که افراد در برابر دولت دارند و در ارتباط با رفتار دولت قابل استناد است یا اشخاص خصوصی هم طرف تکلیف قرار می‌گیرند. فشرده باید گفت هر شخصی

اعم از اشخاص عمومی و خصوصی ممکن است دارنده تکلیف در قبال حق دسترسی به اطلاعات و اندیشه‌ها باشند؛ دست کم این است که مداخله در بهره‌مندی از این حق به دولت و ارکان آن منحصر نیست. چه بسا اشخاص حقیقی یا حقوقی خصوصی هم مانع اعمال این حق شوند. در اعلامیه جهانی حقوق بشر سخنی از صاحبان تکلیف به میان نیامده است.

اما ماده ۲ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی به صراحت دولت‌های عضو میثاق را دارنده تعهد در قبال حق‌ها معرفی می‌کند: «هر دولت عضو میثاق حاضر متعهد می‌شود حق‌های شناخته شده در میثاق کنونی را محترم شمارد و آن‌ها را برای تمام افراد داخل سرزمین و تابع صلاحیت خود ... تضمین نماید.» علت این امر آن است که «تبعیت از حقوق بین‌الملل مربوط به حقوق مدنی و سیاسی ... در قلمرو یک دولت رخ می‌دهد و به نظام حقوقی آن، دادگاه‌ها و ارکان رسمی آن بستگی دارد.» (هنکین، ۱۹۸۹ م.)

کمیته حقوق بشر هم در تفسیر عمومی شماره ۳۱ در خصوص تعهد دولت‌های عضو میثاق، دولت‌ها را ضامن حقوق مندرج در میثاق می‌داند: «تعهدات بند ۱ ماده ۲ میثاق بر دولت‌ها [ای عضو] الزام ایجاد می‌کند و فی‌نفسه اثر مستقیم افقی از نظر حقوق بین‌الملل ندارد. میثاق را نمی‌توان جایگزین حقوق جزا یا حقوق مدنی داخلی تلقی کرد»، (کمیته حقوق بشر، ۲۰۰۴ م.) البته این مطلب بدان معنا نیست که دولت‌ها در قبال نقض این حق‌ها توسط اشخاص خصوصی تعهدی ندارند، زیرا «تعهدات ایجابی دولت‌های عضو در جهت تضمین حق‌های میثاق، فقط در صورتی به طور کامل ایفا می‌شود که دولت‌ها، نه تنها افراد را در برابر نقض حقوق میثاق توسط عوامل خود، بلکه در مقابل اعمال ارتكابی اشخاص خصوصی هم حمایت کنند.» (کمیته حقوق بشر، ۲۰۰۴ م.)

۲-۳- تعهدات در قبال حق دسترسی به اطلاعات و اندیشه‌ها: در این باره

هم‌گفتنی فراوان است. سه نوع تعهد در برابر حقوق بشر به طور عام و حق دسترسی به اطلاعات و اندیشه‌ها به طور خاص در ادبیات و رویه حقوق بشر شناسایی شده است: (استینر و همکاران، ۲۰۰۰ م.) تعهد به احترام، تعهد به حمایت، تعهد به ایفاء. تعهد به احترام به حق دسترسی متضمن آن است که دولت‌ها در بهره‌مندی از این حق توسط اشخاص مداخله نکنند و موانعی ایجاد نمایند. تعهد به حمایت به این معنا است که دولت‌ها باید از نقض این حق توسط دیگران جلوگیری کنند و در صورت نقض، طرق دادخواهی و احقاق حق در اختیار افراد قرار داشته باشد. تعهد به ایفاء، مستلزم اتخاذ اقداماتی ایجابی و تأمین و تسهیل شرایط لازم برای برخورداری از این حق است.

۳-۳- دامنه جغرافیایی تعهد در قبال حق دسترسی به اطلاعات و اندیشه‌ها:

آیا تعهدات یک دولت در تضمین حق دسترسی به اطلاعات و اندیشه‌ها محدود به سرزمین و اشخاص واقع در آن است یا این تعهد باید نسبت به همه افراد انسانی در هر کجای دنیا انجام شود؟ در بند ۱ ماده ۲ میثاق چنانکه دیدیم دولت‌ها باید حقوق مندرج در میثاق را برای تمام افراد واقع در سرزمین و تابع صلاحیت خود تضمین کنند، اما دو نکته در اینجا وجود دارد. نخست، مطابق نظر کمیته حقوق بشر در تفسیر عمومی شماره ۳۱، «در حالی که ماده ۲ [میثاق] در قالب تعهدات دولت‌های عضو در قبال افراد به عنوان دارندگان حق بر اساس میثاق بیان شده است، هر دولت عضو در اجرای تعهدات از سوی دولت‌های دیگر منفعتی حقوقی دارد. این امر ناشی از این است که قواعد مربوط به حقوق اساسی شخص انسانی، تعهداتی عام‌الشمول [در قبال همگان یا ارگا اومنز] است و همچنان که در بند چهارم مقدمه میثاق آمده است، تعهدی برخاسته از منشور ملل متحد به پیشبرد

احترام جهانی به حقوق بشر و آزادی‌های اساسی و رعایت آن‌ها وجود دارد؛ (کمیته حقوق بشر، ۲۰۰۴ م.) دوم، چه بسا اقدامات یک دولت که در داخل سرزمین خود ناقض حقوق افراد واقع در آن سرزمین نیست، بهره‌مندی افراد واقع در سرزمین دولت دیگر را متأثر می‌کند. حمایت شدید از کپی‌رایت در کشورهای توسعه‌یافته، قطعاً بهره‌مندی شهروندان کشورهای در حال توسعه و کم‌تر توسعه‌یافته از حق دسترسی به اطلاعات را متأثر ساخته است. این حمایت ممکن است در کشور توسعه‌یافته حمایتی معقول و قابل توجیه باشد، ولی اثر نامعقول و نامتناسب بر حق دسترسی در کشورهای در حال توسعه و فقیر بگذارد.

از آنچه گفتیم به خوبی روشن می‌شود که کپی‌رایت و حق دسترسی به اطلاعات و اندیشه‌ها با هم تعارض می‌یابند، اما این تعارض ناشی از افزایش هزینه دسترسی به آثار مورد حمایت کپی‌رایت نیست. از سوی دیگر، حق دسترسی به اطلاعات هم متضمن دسترسی رایگان به آثار یاد شده نیست. تعارض هنگامی رخ می‌دهد که افزایش هزینه دسترسی چنان نامعقول و نامتناسب باشد که حق دسترسی را از حیز انتفاع ساقط کند. آثاری که در یک کشور تولید می‌شود ممکن است با هزینه‌ای معقول و متناسب با وضعیت اقتصادی شهروندان آن کشور در اختیار و دسترس آنان قرار گیرد، ولی همین آثار وقتی در کشوری دیگر با همان قیمت عرضه می‌شود موجب کاهش توان یا محرومیت بخش وسیعی از شهروندان آن کشور از دسترسی به آن‌ها می‌گردد.

۴- حل تعارض کپی‌رایت و حق دسترسی به اطلاعات و اندیشه‌ها

نظام بین‌المللی کپی‌رایت چه تدبیری برای حل این تعارض اندیشیده است؟ به طور سنتی تعارض کپی‌رایت و حق دسترسی از دریچه دنیای واقعی نگریسته شده و ظرفیت‌هایی برای دسترسی به آثار متجسم در قالب مادی و فیزیکی تعبیه

شده است، اما با گسترش فضای مجازی این ظرفیت‌ها با چالش جدی رو به رو گردیده و کارآیی آن‌ها زیر سؤال رفته است. در دنیای واقعی آثار مورد حمایت کپی‌رایت، به طور کلی سه نوع ظرفیت برای حل تعارض وجود دارد: ۱- محدودیت‌ها و استثنای کپی‌رایت؛ ۲- مقررات ویژه برای کشورهای در حال توسعه؛ ۳- واردات موازی. این تدابیر سنتی چگونه می‌تواند مسأله تعارض کپی‌رایت و حق دسترسی به اطلاعات در فضای مجازی را حل کند؟

چنانکه پیش‌تر اشاره کردیم، قرارگرفتن آثار مشمول کپی‌رایت در فضای مجازی حمایت از این آثار را به دغدغه مهم دارندگان کپی‌رایت تبدیل کرده است. از طرف دیگر، بسیاری از مفاهیم سنتی کپی‌رایت کاربرد خود را در فضای مجازی از دست داده است. بنابراین شیوه‌های تازه‌ای برای حمایت از این آثار پدید آمده است. یکی از این شیوه‌ها بهره‌گیری از حقوق قراردادها است. بسیاری از عرضه‌کنندگان محتوای دیجیتال، شرط دسترسی را انعقاد قراردادی می‌کنند که محدودیت‌هایی بر اختیار مصرف‌کننده مثل کپی‌برداری، کرایه و مانند آن وضع می‌کند. یکی دیگر از شیوه‌ها، استفاده از فنون حفاظتی دیجیتال، مانند «کنترل دسترسی»، «کنترل حق‌ها» و «ابزارهای ردیابی» است. در شیوه کنترل دسترسی، محتوای مورد حمایت، مثل متن، فیلم یا هر مطلب دیگر، رمزگذاری می‌شود. دسترسی به محتوای رمزدار، منوط به شرایطی از جمله پرداخت وجه در قبال حق امتیاز است.

در شیوه کنترل حق‌ها، مصرف‌کننده نمی‌تواند استفاده‌هایی غیر مجاز از اثر مورد حمایت بکند، مثلاً اگر کاربر فقط برای خواندن یک متن وجهی پرداخته است، دیگر نمی‌تواند آن را چاپ، کپی یا ذخیره کند. در شیوه ردیابی، دارندگان کپی‌رایت می‌توانند مبدأ استفاده بدون مجوز را ردیابی و شناسایی کنند. (دی

مایترنکو و همکاران، ۲۰۰۴ م.) به این ترتیب، هر نوع استفاده و دسترسی به آثار مشروط به پرداخت وجه به شیوه «بپرداز - ببین^{۳۰}» شده است. این محدودیت‌ها حق دسترسی به اطلاعات و اندیشه‌ها در فضای مجازی را به طور نامعقول به ویژه برای شهروندان کشورهای درحال توسعه و فقیر متأثر کرده است. ساز و کارهای درونی کپی‌رایت همچون محدودیت‌ها و استثناها، مقررات ویژه برای کشورهای در حال توسعه و واردات موازی در خصوص آثاری قابل اعمال است که در قالبی فیزیکی و مادی تجسم یافته‌اند.

فناوری حمایت دیجیتال از کپی‌رایت در فضای محازی، هر گونه دسترسی ولو برای استفاده شخصی، توروک و نگاه گذرا را تابع پرداخت وجه و دریافت رمز ورود می‌کند. معاهده ۱۹۹۶ کپی‌رایت سازمان جهانی مالکیت فکری به حمایت از این اقدامات می‌پردازد و کشورهای عضو را به ارائه حمایت‌های مؤثر قانونی در برابر شکستن و دورزدن این رمزا ملزم می‌کند. با آنکه کشورهای زیادی عضو این معاهده نیستند، ولی کشورهای غیر عضو تحت فشار روزافزون کشورهای توسعه یافته قرار دارند تا به این معاهده بپیوندند یا به ترتیبات فراترپس گردن نهند.

نتیجه‌گیری

حق دسترسی به اطلاعات و اندیشه‌ها اهمیت زیادی برای توسعه شخصیت انسان، پیشرفت علمی و صنعتی، از میان‌بردن فقر و توسعه‌نیافتگی، گسترش فرهنگ مدارا، مبارزه با خشونت و افراطی‌گری، توسعه صلح و امنیت بین‌المللی و برخورداری از بسیاری از حق‌های بشری دارد. ظهور و گسترش فضای مجازی دامنه دسترسی به اطلاعات و اندیشه‌ها را به طور بی‌سابقه‌ای افزایش داده است. از سوی دیگر، عرضه آثار ادبی و هنری در فضای مجازی مسأله حمایت از این آثار را برجسته کرده است.

در این نوشتار به ترسیم تعارض کپی‌رایت و حق دسترسی به آثار ادبی و هنری حامل اطلاعات و اندیشه‌ها پرداختیم و ملاحظه کردیم که دریچه‌هایی که به طور سنتی در نظام کپی‌رایت برای دسترسی عموم به آثار ادبی و هنری گشوده است در فضای مجازی کارامدی ندارد. باید در پی راه‌حلهایی بیرون از این نظام برای کاهش یا رفع این تعارض بود. به نظر می‌رسد تعهداتی که دولت‌ها در تأمین حق دسترسی به اطلاعات و اندیشه‌ها بر دوش دارند، می‌تواند به حل تعارض کمک کند. متعهد اولیه حق دسترسی شهروندان یک کشور به اطلاعات و اندیشه‌ها همان کشور متبوع آنان است، اما همکاری بین‌المللی برای تحقق حقوق بشر در زمره الزامات بین‌المللی برخاسته از اسناد عام حقوق بشری است. کاوش در چند و چون این همکاری نیاز به تحقیق و بررسی جداگانه دارد.

پی‌نوشت‌ها

۱. در این نوشته بدون توجه به تفاوت میان این اصطلاح‌ها که امروزه تا حد زیادی رنگ باخته است، برای سهولت در تعبیر از اصطلاح «کپی‌رایت» استفاده خواهیم کرد.

2. Cyberspace

۳. مانند قانون کپی‌رایت هزاره دیجیتال در ایالات متحده در سال ۱۹۹۸:

Digital Millennium Copyright Act, Pub. L. No. 105-304, 112 Stat. 2860 (ct. 28, 1998).

۴. مانند دستورالعمل ۲۰۰۱ اتحادیه اروپا در مورد هماهنگ‌سازی برخی ابعاد کپی‌رایت و حقوق مرتبط در جامعه اطلاعات:

Directive 2001/29/EC of the European Parliament and of the Council of 22 May 2001 on the harmonization of certain aspects of copyright and related rights in the information society, OJ 167; 2001. 10-19.

5. WIPO Copyright Treaty, adopted in Geneva on December 20, 1999, entered into force on March 6, 2002. Available at http://www.wipo.int/treaties/en/text.jsp?file_id=295166; WIPO Performances and Phonograms Treaty, adopted in Geneva on December 20, 1996, entered into force on May 20, 2002, available at <http://www.wipo.int/wipolex/en/details.jsp?id=12743>.

6. Sui generis regime for databases

7. Digital Rights Management

8. Technological Protection Measures of Copyright

۹. برای مطالعه بیشتر در زمینه مبانی توجیهی حق دسترسی به اطلاعات در سیاق حقوق مالکیت فکری به عنوان نمونه ن.ک.: Helfer, et al. (2011).

۱۰. هر فردی حق آزادی نظر و بیان دارد. این حق شامل آزادی داشتن نظرات بدون مداخله و جستجو، دریافت و انتقال اطلاعات و اندیشه‌ها، از طریق هر رسانه و بدون توجه به مرزها می‌شود.

11. International Covenant on Civil and Political Rights, adopted 16 Dec. 1966, GA res. 2200A (XXI), 21 UN GAOR Supp. (No. 16) at 52, UN Doc. A/6316 (1966); 999 UNTS 171.

12. American Convention on Human Rights, signed 22 Nov. 1969, O.A.S.T.S. No. 36, O.A.S. Off.Rec. OEA/Ser.L/V/II.23, doc. 21, rev. 6 (1979) (entered into force 18 July 1978), reprinted in 9 I.L.M. 673 (1970).

13. European Convention for the Protection of Human Rights and Fundamental Freedoms, opened for signature 4 Nov. 1950, 213 U.N.T.S. 221, Eur. T.S. No.5 (entered into force 3 Sept. 1953).

14. African (Banjul) Charter on Human and Peoples' Rights, adopted 27 June 1981, OAU Doc. CAB/Leg/67/3 rev. 5, 21 ILM 58 (1982), entered into force 21 October 1986.
15. Cairo Declaration on Human Rights in Islam, Aug. 5, 1990, U.N. GAOR, World Conf. on Hum. Rts., 4th Sess., Agenda Item 5, U.N. Doc. A/CONF.157/PC/62/Add.18 (1993). Available at: <http://www1.umn.edu/humanrts/instree/cairodeclaration.html>.
16. Human Rights Committee, General Comment No. 34, Article 19: Freedom of Opinion and Expression, 12 September 2011, CCPR/C/GC/34, available at www2.ohchr.org/English/bodies/hrc/docs/gc34.pdf. Accessed 1 September, 2016.
17. UN Doc. E/CN.4/1995/32, para. 35. Quoted in *ibid*.
۱۸. به عنوان نمونه در اثر زیر که شرح مبسوط میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی است مطالبی در خصوص حق دسترسی به اطلاعات و اندیشه‌ها به عنوان جزئی از حق آزادی بیان غیر از برداشت مضیق از این حق چیزی وجود ندارد. Joseph and Castan. (2013).
19. E/CN.4/2000/63, 16 January, 2000.
۲۰. در مورد این گزارش‌ها و سایر فعالیت‌های گزارشگر ویژه ن.ک.: <http://www.ohchr.org/EN/Issues/FreedomOpinion/Pages/OpinionIndex.aspx> visited 2 September 2016.
21. A/68/362. Available at: <https://documents-dds-ny.un.org/doc/UNDOC/GEN/N13/464/76/PDF/N1346476.pdf?OpenElement> visited 2 Sep. 2016.
22. A/HRC/321/38. Available at: <https://documents-dds-ny.un.org/doc/UNDOC/GEN/G16/095/12/PDF/G1609512.pdf?OpenElement> accessed on 2 Sep, 2016.
23. Multiplicity
24. Diversity of Sources
25. Affordability
26. Eldred v. Ashcroft, Supreme Court of the United States (2003, 537 U.S. 186).
27. Ashby Donald and Others v. France, European Court of Human Rights, 2013, no. 36769/08.
28. Agreement on Trade-Related Aspects of Intellectual Property Rights, Apr. 15, 1994, Marrakesh Agreement Establishing the World Trade Organization, Annex 1C; Legal Instruments-Results of the Uruguay Round,

vol. 31, 33 I.L.M. 81 (1994). Available at: http://www.wto.org/english/docs_e/legal_e/27-trips.pdf. Last visited September 2016.

29. TRIPS-plus

30. Pay-to-view

فهرست منابع

الف - فارسی:

حبیبی مجنده، محمد. (۱۳۹۴ ش.). حقوق مالکیت فکری و حقوق بشر: تعاملها و تعارضها. قم: دانشگاه مفید.

ب - لاتین:

Buss, K. (2015). Copyright and Free Speech: The Human Rights Perspective. *Baltic Journal of Law and Politics*. 2(8): 182-202.

Dmytrenko, O. Demsey, JX. (2004). *Copyright and the Internet: Building National Frameworks Based on International Copyright Law*. Global Internet Policy Initiative. 6-7.

Dusolliert, S, Oullet, Y. Buydens, M. (2000). Copyright and Access to Information in the Digital Environment, in UNESCO. *Copyright Bulletin*. 34(4): 4-36.

Helfer, LR. Austin, GW. (2011). *Human Rights and Intellectual Property*. Cambridge: Mapping the Global Interface, 4.

Henkin, L. (1989). International Law: Politics, Values and Functions, in 216 Collected Courses of the Hague Academy of International Law 13. Vol.4, at 251.

Human Rights Committee. (2004). General Comment 31, Nature of the General Legal Obligation on States Parties to the Covenant, U. N. Doc. CCPR/C/21/Rev.1/Add.1, para. 8.

Joseph, S. Castan, M. (2013). *The International Covenant on Civil and Political Rights: Cases, Materials and Commentary*. 3th ed, Oxford.

Mendel, T. (2016). *Freedom of Information as an Internationally Protected Human Right*. Available at: <http://www.article19.org/data/files/>

publications/foi-as-an-international-right.pdf. Visited September 1, 2016.

Quaker United Nations Office. Available at: <http://www.geneva.quno.info>.

Roffe, P. (2004). *Bilateral Agreements and a TRIPS-Plus World: The Chile-USA Free Trade Agreement*. TRIPS Issues Paper 4, World: The Free Trade Area of the Americas (FTAA), TRIPS.

Story, A. (2003). *Study on Intellectual Property Rights: The Internet and Copyright*. Commission on Intellectual Property Rights, 5.

Torremans, P. (2008). *Intellectual Property and Human Rights*. Kluwer, 142.

United Nations. (1995). UN Doc. E/CN.4/1995/32, para. 35.

یادداشت شناسه مؤلف

محمد حبیبی مجنده: دانشیار، دانشکده حقوق، دانشگاه مفید، قم، ایران.

پست الکترونیک: mhabibiim@gmail.com

The Right to Access to Information and Copyright in Cyberspace

Mohammad Habibi Mojandeh

Abstract

Copyright or author's right and right to access to information have become common discourses in cyberspace. There is an apparent or real tension between the two, since copyright grants to its holder's exclusive rights to control access to information contained in their works while everyone's right to access to information as a manifestation of the fundamental right of freedom of expression requires access to information. The tension, once confined to domestic level, has recently captured international attention due to advances and expansion of communication technologies and digitization of copyrighted materials. WIPO was the first international body to notice the tension and express the idea that the historical mechanism of exceptions and limitations to copyright is capable of solving the potential conflict. But the adequacy of this mechanism is faced with challenges stemming from various factors.

This paper will argue that the traditional mechanism needs reinforcement through a pro-right to access approach to exceptions and limitations to copyright, on the one hand, and the States' obligations to respect, protect and fulfill the human right to access to information on the other.

Keywords

Copyright, Access to Information, Freedom of Expression, Intellectual Property